

واکاوی مفاهیم و اعداد رمزی در نقوش و کتیبه های خانه های قاجار اردبیل (نمونه موردی: ارسی خانه ابراهیمی اردبیل)

مریم کیان اصل:

پژوهشی در سال ۱۳۹۵ با عنوان مستند سازی دیوارنگاره های خانه ابراهیمی کوچه شهیدگاه اردبیل انجام گرفت. این پژوهش با رویکرد اکتشافی به بررسی توصیفی دیوارنگاره های این بنا پرداخت. در آن زمان پرداختن به جزئیات بیشتر تزیینات وابسته به معماری آن مانند ارسی زیبای آن امکان پذیر نبود. تصور بر آن بود که در بررسی مجدد روی این ارسی خواهیم توانست که ارتباطی میان نوشته کتیبه این ارسی و دیگر تزیینات خانه برقرار کنیم. معماری این خطه از سرزمینمان با شرایط آب و هوایی و باورها و اعتقادات آنان دست به دست هم داده تا نوع خاصی از تفکر و علایق را در میان آنان رواج دهد. با سکونت مردم در یک منطقه آب و هوایی و شیوه زیست قومی خویش، حتی اگر نسبت به نیازهای سکونتی خود کاملاً آگاه نباشند، به گونه ای ناخودآگاه الگوهایی در نما، تزیین و منظرشهری، مطابق با نیازهای زندگی خود پدید می آورند. باشناسی این الگوها از این نظر اهمیت دارد که می توانیم به کمک آن شرایط زندگی اقوام را درک کرده و رابطه میان آنها را که منجر به واکنش احساسی و خلق اثر هنری شده است را تفسیر کنیم. الگوها می توان به صورت شکل و فرم، نقوش، رنگها، نمادها، اعداد، حروف و کلمات و غیره در عرصه خلق آثار هنری رخ بنماید. یکی از بسترهایی که این الگوهای رمزی در آن قابل شناسایی است ارسی های چوبی در بناهای تاریخی مناطق مختلف ایران است ولی بناهای اردبیل به دلیل شرایط مذهبی و توجه و علاقه بسیار به اعداد رمزی، به خصوص حروف ابجد، به طور بیشتری در بناها دیده می شود. هنرمند در ساخت ارسی از این همه تکثر به دنبال چه مفهوم رمزی بوده است؟ در بررسی ویژگیهای خاص ارسی خانه ابراهیمی به عناصری که موجب تمایز این ارسی شده و آن را به صورت یک اثر خاص در ترکیب الگوها و وحدت بخشیدن به تمام عناصر تزیینی درآورده است. این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی گرد آمده است و سعی شده بر اساس اصول و قواعد میان نظریه پردازان اسلامی، گوشه ای از مفاهیم قابل بررسی در ارسی خانه ابراهیمی را باز خوانی کند. این پژوهش به صورت روش تحقیق توصیفی- تحلیلی گرد آمده است. دیدگاه توحیدی در معماری نه فقط در کلیت آن بلکه عناصری نظیر احجام، شکل، نور، رنگ، ماده و فضا را که در کنار هم بنای خاصی را پدید می آورند. در هنر ایرانی، صورتهای گوناگونی از خردورزی و منطق ریاضی مبتنی بر فهم هندسی نمود و بروز یافته است. از مهمترین تزیینات هندسی در اندیشه ایرانی که منطق و زبان خاص خود را در ساحت های گوناگون هنری عیان ساخته، تزیینات مختلف گره چینی بوده است. اجزای گره ها که همان آلت ها هستند به طور منظم بر اساس طرحی اصولی، کنار هم چیده می

شوند تا معنای غنی تری را صورت چیده شده در یابیم. به جرات می‌توان گفت که ارسیها یکی‌خاص‌ترین هنرهای سنتی هستند که صورت و معنا، با هم در آن به تجمیع رسیده‌اند.